

MISCELLANEA PERSICA

繩 田 鉄 男

(1) 龍威秘書「譯史紀餘」(清 陸次雲著)卷四「回回國書」に見えるペルシア語彙について

<p>主 地 京 國</p> <p>哈 則 罕 滿</p> <p>克 米 巴 刺</p> <p>尹 力 額 克</p>	<p>山 河 月 星</p> <p>科 卓 魯 得</p> <p>黑 衣 得 兒</p>	<p>阿 巴 把 舍</p> <p>免 得 刺 卜</p> <p>南</p>	<p>雲 風 雨 露</p>	<p>天 阿 日 月 媽 星 洗</p> <p>恩 媽 夫 他 黑 媽 他 勤</p>
---	--	--	----------------	---

2233

<p>يد / 父 見得迫</p> <p>مادر / 母 見得媽</p> <p>مویشت / 親 石 或</p> <p>استان / 師 得他思五</p>	<p>يارشاه / 君 黑沙的巴</p> <p>وزیر / 臣 兒卽我</p> <p>بیغام / 聖 百昂拍</p> <p>مهر / 賢 尹期黑</p>	<p>باسار / 早 得搭榜</p> <p>شیرازی / 晚 黑嚮榜金</p> <p>منا / 朔 額爲體知以</p> <p>استبار / 望 勒巴革體思以</p>	<p>بمال / 春 兒哈卜</p> <p>تابستان / 夏 恩他思北他</p> <p>مستان / 秋 黑媽兒體</p> <p>پریسا / 冬 恩他思來卽</p>
--	--	---	---

倫	風	法	天	百譯國書	哥	龍
力	電	莫	雲	譯史紀餘卷四	恩媽克	兒得日阿
刺	雪	扛	日	五	刀	虎
昧	霜	楞	月		得兒嚙	克郎迫
					衣	花
					默扎	勒故
					冠	草
					知他	夫勒阿

2234

〔注記〕

全体的にみて、ベルシャ文字の不明確な点や誤記が目だつ。

1. № 11 および 12 に「月」「星」なる見出し語があるが、ベルシャ文字、音訳漢字ともに「川」「海」をさす語である。
2. № 18 秋、№ 19 冬、ベルシャ文字、音訳漢字が共に入れかわっている。

次ページに、ベルシャ文字、音素記号、英訳の順にかかげる。№ 34 のベルシャ語は、普通ヒョウをさす語である。

1	آسمان	'âsmân	sky	21	بامداد	bâmdâd	morning
2	آفتاب	'âftâb	sun	22	شب‌انگاه	šabângâh	evening
3	ماه	mâh	moon	23	اجتماع	'ejtemâ	gathering
4	ستاره	setâra	star	24	استقبال	'esteqbâl	going to meet
5	ابر	'abr	cloud	25	پادشاه	pâdšâh	king
6	باد	bâd	wind	26	وزیر	wazir	minister
7	باران	bârân	rain	27	پیغامبر	paiḡâmbar	prophet
8	شبنم	šabnam	dew	28	حکیم	hakim	sage, wise
9	کوه	kôh	mountain	29	پدر	padar	father
10	جوی	jôi	stream	30	مادر	mâdar	mother
11	رود	rud	river	31	خویش	xiš	relative
12	دریا	daryâ	sea	32	استاد	'ostâd	master
13	خاک	xâk	earth, soil	33	اژدر	'aždar	dragon
14	زمین	zamin	earth	34	پلنگ	palang	leopard
15	خان‌بالغ	xân bâleḡ	Peking	35	گل	gol	flower
16	مملکت	mamlakat	country	36	علف	'alaf	grass, herb
17	بهار	bahâr	spring	37	کمان	kamân	bow
18	تابستان	tâbestân	summer	38	کارد	kârd	knife
19	تیرماه	tirmâh	autumn	39	جامه	jâma	clothes
20	زمستان	zamestân	winter	40	تاج	tâj	crown

در باره وطن ازید
 خانه مورد و طاقین ملک در پیش علاقه داران ناله در زدن است
 ملک از موشکاید ارم است
 حاصل ملک از موشکاید ارم است
 ارجح و بحددم مردم بود جوری نیست . لکن کوه و کوه و سرخس و سرخس است ده ملک
 از موشکاید وطن از موشکاید ملک دره در وقت با ملک از موشکاید ریه زرد از اتفاق
 و ائله و کوه دره است و در چه علم است
 از دست برت لک و موشکاید بارش موشکاید از ناله در زدن ملک پنج نمی زنه و موشکاید
 ده ملک از موشکاید بای باز مین خوره ده یک دیقو است یک می ته بمه حاصل
 زمین باره باد از تیار شدن نه بخش موشکاید یک بخش دیقو می سرده و بخش دیگره حاصل تر می سرده
 ددیه کم از مردم از موشکاید و یک نفر موشکاید و نجار و دکان دار هم است
 مردم از موشکاید است نه ماه بهار ایلان موده نه ماده قشلاق است
 کوه نایسته موشکاید از یک دیقو است نه موشکاید کابل از جامی موشکاید دور است

۱. بارو طائفه شیخ علی

مردم شیخ علی در بی خود قوم قوم شده

منو

قوم زنی و صلی

زنی سائل

دوست بیک

جنی بیک

اشی قریه

شیک جی

زنی نظر

علیم
و دیگر در بی همه طائفه با بنو قوم قوم شده هر قوم تقریباً ده یا پانزده قوم شده
زبان هر طائفه یا طائفه دیگر بید فرق دره

در باره زمان از اردکی

ده بینی بهره با فرق دریا بسیار است

مشو در دی زنگی دلیل رسته جنگل لذات پاست که مه اولخت باره پیچ میدنوم

ده بینی تمام بهره بازبان فرق دره لغت یا یک خصم قومه یک قوم دیگر نمیده نه

مثله در بامیان رواج است آکی تو چیز مکنی یا آکی لا باچی تو چیز کار ساخته

سازمان کار آمد دیفانی

تور

در قلبه در هلو

اره

اسبار

داسکی

یوغ

تیش

این

اتنگ

برای دیقان

کیل
کلمه کردند

شاخی

پارو

در بارهٔ شغل تا

در وطن ما

نخار

یا نیکو

میرند

گل کار

موجی

دو جان دار

علاق

این پیشه با کم کم ده جا از سر و رواج دره دیگر همه کی در شغل دلفانی مشغول هستند

دلاک یا سلمانی

ده وطن از سر دلاک ارد که جا میوه سیه مردم از سر دلاکی بیدارید سر بره

اگر که مردم آدم کار بد موکله مردم موکله تو با چه دلاک هستی

رسم و رواج در باره عروسی

عارفان ده دهن از مونا د سال پیشتر بید سخت بود های لم لم خوب شده
پیش با دفتر فوره دفتر دار که می دلدو پسته مبرقت های پسته پسته نولین موقوف شده
مردم از مود دفتر فوره ده او غور بیک و نه چیل نمی نه ده قوم از خود می نه
مثلاً دفتر البه ده باجه سرار یا دفتر لقه ده باجه جوار یا دفتر حوار ده باجه برار
یا دیکه دفتر یک قوم ده قوم دیکه می نه

در باره میراث

در جای مارداج است که بعد پدر همه باجه با آن همی سفید با قوم جم کرده
مال پدر خود نه بخش موکونه
الله از یک پدر پنج یا چهار بچه یا دفتر بیست همی سفید با همه مال پدر شده
ده سری باجه با و دفتر با آن برام بخش موکونه اگر فضای سرار با خود داشته
بیان پاره مال هوبه ده برار کلان زیاد می نه در بر بخش موکونه

از باب الحیرا در غریبه ها

در غریبه از هوا که باب رحمتی خا از باب است

مردم غریبه بکلی هم موثره که ام نفر که فامیده تربته ادره از باب میله
ده حکومت برده موافقه حکومت ادره از باب میله

دیکه هر کاری که از طرف حکومت بشه از باب ده مردم مولونه
که ام جنگ با که ام بر غلافی که ده بین قوم پیدا شده از باب مینه شی
اصلاح مولونه

در باره عیبه

۱. عیبه از دستا در روز عیبه مردم بکلی هم نشد ده ما عیبه موره فار عیبه فراده
پیشانی می به سه روز عیبه بکلی مردم پیدا بخوشی یک ده فانه دیکه رفته
می مانی خوری مولونه

الله که ام جنگ یا فکلی بین دو نفر بشه اشقی موثره کینه ره فراموشی مولونه
روز عیبه ده بین از موید یک روز مبارک و خوب هسته

د باره کمايغه بينی از اردا

مردم نبرد قوم قستمیسته

شمله

در ولایت قطنی	قوم شیخ عی
در ولایت بامیا	نیک بی
در ولایت بامیا	دی زنگی
در ولایت بامیا و مسبدان	دی کندی
در ولایت بامیا و مسبدان	دی میرداد
در قطنی حکومت درشی	زی سایل
در قطنی حکومت درشی	زی اصلی
در قطنی حکومت درشی	زی غوله
در قطنی حکومت درشی	زی مرود
در قطنی حکومت درشی	زی مانی
در پروان و قطنی	فرلوقی
در پروان و قطنی	دی ککو

「ハサーラ族のペルシア語について」 言語研究 第49号

第53回日本言語学会研究発表要旨 1965 を参照